

## شرکت اجباری کارگران در تشییع جنازه رئیس جمهور مکتبی و نخست وزیر محبوب

پیش از ۶۰ سال پیش لنین میگفت، در دوران امپریالیسم - جهانی شدن سرمایه داری - کارخانه های کشورهای سرمایه داری، برای کارگران تبدیل به زندانهایی با اعمال شاقه میگرددند کسسه زندانبانی شان بعهده دولت سرمایه داریست . لنین چنین میگفت و از انفجار ۸ شهریور نخست وزیری در ایران سرمایه داری و از شرکت اجباری شونده های کارگر در ۹ شهریور سال ۱۳۶۰، اطلاعی نداشت . اما خوشبختانه امروز بیشتر کارگران و زحمتکشان - راهیان سوسیالیسم - به عنقه در مقابل این حقیقت دهشتناک قرار گرفته اند که طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و محرومین، محکومان طبقه حاکم بوده و منابیه ای انبراسی هستند که در چهار دیواری کارخانه، بی اختیار از خویش و در واقع مطلوب زنجیر بان خاواده ی خویشند . باری... و داستان تازه از ایمن قرار است که بمبی در بعد از ظهر ۸ شهریور در کاخ نخست وزیری منفجر میشود و "پیش از ۲" فاشیست - رئیس جمهور و نخست وزیر مکتبی - را پیسه درک واصل میکند، موجی از سرور دردل توده های زحمتکش و آزادیخواه بحرکت در می آید و در ساعات اول صبح نهم شهریور در حالیکه هنوز تسیم کامل بر لبها ننشسته، کارگران کارخانجات بزور سر نیزه ی قداره بندان رژیم و در سایه ی نهیهای انجمنهای جاسوسی اسلامی کارخانه ها، سوار بر اتوبوسها، روانه ی تشییع جنازه میگرددند تا ظاهر حمایت توده ها از رژیم به نمایش گذاشته شود. رژیم میخواهد چنین وانمود کند که طبقه ی کارگر - این چهره های خشمگین که زیر یوغ تحمیلی رژیم پشت شان دوتا شده است و اینان کسه در مرگ پیشینی منفور به شادی پرداخته و سرورگسه بودند - برای "تشییع جنازه ی زندانبانان و بهره کشان خویش، صفبه مفدر حرکتند!! لابد زعمای فریبکار و دغلباز رژیم اسلامی میخواهند نمایلی جدید از نظام "نه شرقی نه غربی" خودبه جهاسیان عرضه کنند و در بوفتهای نیلیغانی شان بدمند: هان ای "مستضعفان جهان" که در کسار مبارزه آید، اتحادیه ی آزاد کارگری میخواهید، در پی افزایش دستمزد و امکانات رفاهی خویشید، برای استقرار شوراهایتان میحنگید و در پی نابودی استثمارید! چهار دیواری اسلامی ایران را بنگرید که چگونه کارگران شان برده وار و دست بسته بدنیال جلادان متحدومان زرادار آمد در حرکتند بنگرید که چگونه بر قطعنامه ی دادستان ضد انقلاب مبنی بر خواسته ی "اعدام علی وار چهار هزار" انقلابی در یکروز صحه میگذازند، بنگرید که در میهن اسلامی ما چگونه "امام مافوق طبقات" از شرارت کار و رنج طبقه ی محروم و محکوم بهره مند میشود و جامعه ی غیر انسانی طبقاتی

سرمایه داری را جامعه ی مقدس الهی و اسلامی مینامد، بنگرید که چگونه سیاسیون مکتبی این دلالان ما هر از سوی از اسرائیل غاصب بمنظور حفظ امنیت سرمایه و کیان اسلام بوزی و کلت بسرائی شهرباسی و قطعات بدکی برای مصصرف در میدانهای جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق خریداری میکند و از سوی دیگر در بلندگوه های کوشخراش تشکیل جبهه ی اسلامی با اصطلاح ضدامبریا - لیستی و ضدصهیونیستی را میدهد، بنگرید که در جمهوری اسلامی ما چگونه حزب توده و همپالکی های اکثریتی شان بر علیه آرمانهای واقعی کارگران و زحمتکشان وارد گود شده و به نفع رژیم سرمایه داری رابطه ی لاینفک مبارزات ضدامبریا لیستی و ضد سرمایه داری را مخدوش مینمایند، آری بنگرید که در ایران اسلامی زیر شعار استقلال، چسه وابستگیهای عمیق و کلانی به تن نظام سرمایه یوشانده میشود و حتی زیر عنوان "آزادی آنطور که در اسلام آمده است" چه جنایات رقت انگیزی توسط حاکمین شرع و دادگاههای ضدانقلاب و پادشاهان سیاهی سرمایه در حال ارتکاب است، بنگرید و با حیرت بنگرید که در نتیجه ی اعمال ضد انقلاب حاکم، بجای جمهوری رژیم اما مت چوپسان شش با ادعای رهبری امتزگله ماب نشسته است و طبعاً در چنین رژیمی بحای آزادی بیان و قلم، آزادی ژم - داران و شکنجه گران و بحای آزادی اجتماع و تشکل، آزادی جماع و چاقو و تجمس و بجای رهایی کارگران و زحمتکشان از استثمار، آزادی سرمایه داران مکتبی و مسلمان نشسته است و... بنگرید هزار باره هم بنگرید که چه شهر از همه رنگی است شهرما و عجا که با اینهمه، شهر فرنگ نیست، سیستم سرمایه داری نیست، طبقات و مبارزه ی طبقاتی در اینجا وجود ندارد، کارگران در پی نابودی استثمار و استقرار سوسیالیسم و آزادی نیستند، زحمتکشان به "شکم" نمی اندیشند، دهقانان و سایر محرومین به امور پست دنیوی مشغول نمیشوند، اینجا همه سربساز بکنفرند، با اینهمه ملت با هیچکس نیست، با اسلام است، با برهنه های اینجا انقلاب نکرده اند که خربزه ارزان شود، آنها انقلاب کرده اند تا تولید کارخانه های ناوابسته و مستقل را هر چه بیشتر افزایش دهد، چون بعلت مبارزات ضدامبریا لیستی در محاصره ی اقتصادی اند با اینهمه به برکت وجود کشتیهای امبریا لیستی هیچ چیز در مملکتی که هیچ ندارد نایاب نیست فقط قیمتها اندکسی زیادتر شده است . بهر حال ملت یکپارچه و منسجم است البته منهای چند میلیون کرد و جنگ زده و بیکار و کارگران تحریک شده و ترکمن و بلوچ و عرب و گروهکهای امریکایی، البته برای انسجام بقیه در صفحه ۹

پیش بسوی قداره انقلاب سوسیالیستی

بیشتر هم، غیر از ارتش بیست میلیونی یک سازمان اطلاعاتی جاسوسی ۳۶ میلیونی دایر است که کنار هر واحدش، یعنی یک خانه، جاسوسی دوسه خانهای همسایه است، آخر از قدیم برای جاسوسهای مکتبی آمده است الجار بعدالدار (اول همسایه بعد خانه) ....

بله، اینها و هزاران هزار سطر نظیر این سطر مزخرف و چرند تراوشات مغز یک شوخ چشم بیگانه نیست، بلکه شمایلی است از چهارچوبی تابناک جمهوری اسلامی که باید به جهان مادر شود تا مورد خشم و انزجار توده‌های مستعدیده قرار گیرد، باید "مستضعفان جهان" بفهمند که اینها ادعاهای دوونیم ساله‌ی سردمداران جمهوری اسلامی - از خمینی، بازرگان گرفته تا بنی‌صدر و بهشتی و رجایی - بوده و هنوز هم بخشا هست. این تحفدهای رژیم اسلامی به‌اضافه‌ی سه فصل از کتاب تحریرالوسیله‌ی خمینی، مضمون ارتجاعی و عوام‌فریبانه‌ی تبلیغات صدا و سیما و اسلامی و روزی نامه‌های ورشکسته‌ی آخوندی است.

اما آیا تبلیغات دروغین توانست هیتلرها و فرانکوها و محمدرضاها را از مرگ حتمی برهانند؟ آیا کشتار ضدانقلابی چهارهزار نفر در روز ۱۷ شهریور توانست حرکت توده‌ها را متوقف کند؟ آیا اعدامهای دسته‌جمعی انقلابیون در زندانهای شاه توانست رژیم ستمشاهی را بر سرپا نگهدارد؟ آیا اجتماع اجباری صدها هزار کارگر در روز اول ماه مه در حضور شاه کارگرکش‌نشانه‌ی روابط حسنه‌ی کارگران با شاه مافوق طبقات بود؟ راستی، گفاه شیبتهای شهکار و از آن جمله مکتب‌یون حاکم هرگز قادر نیستند که از تاریخ و توده‌های تاریخ‌ساز بیاموزند. آنها مثل همه‌ی طبقات محکوم تاریخ باید نابودی خود را توأم با افتخاری عظیم سرکشان‌گردانی کنند، خانه‌گردی کنند، حکومت نظامی راه بیندازند، دولت آشتی ملی و دولت نظامی به سر کار آورند و بالاخره در برابر حکومت انقلابی توده‌ها به درک واصل شوند. در این میان حاکمین مرتجع اسلامی که برای تحکیم و تثبیت رژیم سرمایه‌داری خویش دو سال ونیم به سرکسوب حرکت‌های انقلابی توده‌های کارگر و زحمتکش پرداخته‌اند، اینک در روز "تشیع جنازه‌ی رئیس‌جمهور عزیز و نخست‌وزیر محسوب" در دمام مرگ خویش، کارگران طاهرا مقهورشان را به سردی و خاموشی سه میدان میکشاند تا حامی حویششان جلوه دهند، غافل از اینکه آموزش انقلابی توده‌های کارگر حرکت آنها را در جهت مرگ روابط سرمایه‌دار - اندوز و رگوبان نه در هر شکل و رنگش و ایجاد نظام سوسیالیستی هدایت خواهد کرد و این همان نکته‌ی پنهانی است که هیچک از رژیمهای سرنگون شده و در حال سرنگونی به آن پی نبرده و نخواهند برد. سردمداران رژیم اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و هرگز نخواهد توانست در سکوت صفوف کارگرانی که در حمایت از خویش به خیابان گشاده‌اند زمزمه‌ی ناسودی ارتجاع و امبرالیسم و فریادهای برقراری سوسیالیسم و آزادی را بشنوند و پیوند کارخانه‌ها و مشتا و تفنگها را فیل از قوسوع و با جسی در حین وقوع ببینند.